

اصول حاکمیت شرکتی در نهادهای ارایه‌دهنده خدمات مالی اسلامی

کامران ندری و لیلا محرابی

چکیده

حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از نظام‌ها و فرآیندهایی است که با استفاده از ابزارها و سازوکارهایی موجب دستیابی به اهدافی همچون پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان می‌شود. در این میان با توجه به منافع حاکمیت شرکتی در نظام بانکی و رشد قابل توجه فعالیت نهادهای مالی تأمین‌کننده خدمات بانکداری منطبق بر شریعت میان کشورهای مسلمان و غیرمسلمان، می‌توان اظهار داشت که ایجاد چارچوب حاکمیت شرکتی اسلامی و بهبود آن در بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی به عنوان یک اصل ضروری برای اطمینان از تداوم موفقیت و رشد آنها در فضای رقابتی موجود از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. ساختار حاکمیت شرکتی اسلامی با رعایت معیارهایی چون ارزش‌های اخلاقی و حفظ حقوق و منافع تمامی ذی‌نفعان (نه فقط سهامداران) در چارچوب قوانین شریعت (امانت و عدالت) نسبت به نظام بانکداری متعارف متمایز بوده، لذا اجرا و پیاده‌سازی و رعایت صحیح و واقعی حاکمیت شرکتی نیازمند به مدیریت صحیح و نظارت اسلامی در بانک‌ها می‌باشد. از این‌رو در این نوشتار تلاش شده است پس از مروری بر مفهوم‌شناسی حاکمیت شرکتی در نهادهای مالی و ضرورت توجه به آن، چالش‌های حاکمیت شرکتی معرفی و چارچوب و اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در پایان نیز الزامات و پیشنهادهای در خصوص پیاده‌سازی و بهبود یک الگوی حاکمیت شرکتی موثر ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، بانکداری اسلامی، هیأت نظارت شرعی، استانداردهای بین‌المللی حاکمیت شرکتی.

۱- مقدمه

حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از موضوعات مهم نظام بانکداری از دهه ۱۹۹۰ در انگلستان، آمریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات ناشی از عدم اثربخشی هیأت مدیره در عملکرد شرکت‌های بزرگ مطرح شد و بعد از بحران آسیا در سال ۱۹۹۷ به سرعت به سایر بخش‌ها از جمله نظام بانکی تسری یافت. به طوریکه بانک‌ها و موسسات مالی سراسر جهان به اهمیت بالای حاکمیت شرکتی پی بردند و بر اجرای اصول آن در بانک‌ها تأکید کردند. در این میان، حاکمیت شرکتی را می‌توان مجموعه روابط میان هیأت مدیره، مدیر، سهامداران و کلیه ذی‌نفعان (از جمله کارکنان) تعریف نمود که تأمین‌کننده منافع کلیه ذی‌نفعان از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. علاوه بر این، حاکمیت در واقع تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن اهداف سازمان تدوین شده و ابزار دستیابی به این اهداف نظیر پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شوند.

از سوی دیگر، رشد شتابان بانکداری اسلامی در بازارهای مالی دنیا و اهمیت استقرار حاکمیت شرکتی در بانک‌ها باعث شده است که توجه بیشتری به ساختار اساسی نهادهای مالی اسلامی صورت گیرد. با این وجود ادبیات اندکی در مورد حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلامی و به ویژه ساختار حاکمیتی بخش مالی اسلامی وجود دارد و عمده مباحث مطرح‌شده در زمینه حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری عمدتاً مربوط به نظام بانکداری متعارف است. این در حالی است که مدل‌های مورد استفاده در بانکداری متعارف به لحاظ شرعی نبودن پرداخت بهره در بانکداری اسلامی چندان کارایی ندارند و تشدید تعارض منافع در نظام بانکداری متعارف و اسلامی مشکلات بسیاری را در این زمینه ایجاد می‌کند.

در این میان، ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند جهت کنترل و هدایت بانک‌های اسلامی به شیوه‌ای که بتواند حافظ منافع تمامی ذی‌نفعان شود زمینه کاهش هزینه‌ها را به عنوان یکی از مسائل کلیدی در حاکمیت شرکتی ایجاد می‌نماید. از سوی دیگر، در بانکداری اسلامی بایستی انطباق و هماهنگی فعالیت‌های مالی با اصول و معیارهای اسلامی مورد توجه قرار گیرد. لذا علاوه بر کنترل‌های داخلی، مبحث حاکمیت شرعی در بانکداری اسلامی تحت مسائل ریسک شریعت و نظارت شرعی و همچنین نقش شورای نظارت شریعت (SSB)^۱ به منظور انطباق عملکرد بانک‌ها با اصول اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

لذا، ایجاد چارچوب حاکمیت شرکتی اسلامی و بهبود آن در بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی با توجه به ماهیت متفاوت آنها نسبت به بانکداری متعارف به عنوان یک اصل ضروری برای اطمینان از تداوم موفقیت و رشد آنها در فضای رقابتی موجود از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. از این‌رو در این نوشتار تلاش شده است پس از مروری بر مفهوم شناسی حاکمیت شرکتی در نهادهای مالی و ضرورت توجه به آن، چالش‌های حاکمیت شرکتی معرفی و چارچوب و اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. در پایان نیز الزامات و پیشنهادهای در خصوص پیاده‌سازی و بهبود یک الگوی حاکمیت شرکتی موثر در نظام مالی اسلامی (از جمله ایران) ارائه شده است.

۲- پیشینه تحقیق

سیانکانلی و همکاران (۲۰۰۰) به ارایه چارچوب مفهومی برای حاکمیت شرکتی در بانک پرداختند. آنها با برجسته نمودن محدودیت‌های فرض رفتار بانک‌ها مانند سایر شرکت‌ها از منظر تئوری نمایندگی چارچوب مناسبتری برای تحلیل ارایه دادند. آنها با تأکید بر نقش قوانین و مقررات حاکم بر بانک‌ها به متمایز ساختن بانک‌ها از سایر شرکت‌ها پرداختند. آنها نشان دادند که قوانین و مقررات می‌تواند نیروهای بازار را در واکنش به بانک‌ها، مالکان و مدیران آنها تحت تأثیر قرار دهد و پیشنهاد نمودند که باید به قوانین و مقررات به عنوان نیروی برون‌سازمانی برای اصلاح سازوکارهای حاکمیت شرکتی نگاه کرد. [۱]

اسپانگ و سولیوان (۲۰۰۷) به بررسی تأثیر جنبه‌های مختلف حاکمیت شرکتی بر عملکرد نمونه‌ای متشکل از بانک‌های خاورمیانه پرداختند. آنها نشان دادند که مالکیت مدیر در بانک باعث بهبود عملکرد بانک خواهد شد. آنها همچنین نشان دادند

^۱ Shari'ah Supervisory Board

که ترکیب اعضای هیات مدیره تاثیر مثبتی بر عملکرد بانک دارد. آنها در نهایت به این نتیجه رسیدند که وقتی مدیران و اعضای هیات مدیره منافع باهمیتی در بانک دارند، ثروت و وضعیت مالی آنها تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر نگرش آنها به خطرپذیری و موازنه خطر و بازده بانک دارد. [۲]

محمود ابوظپانجه (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به بررسی ماهیت و کاربرد اصول اسلامی حاکمیت شرکتی نسبت به اصول متعارف و مرسوم در این حوزه می‌پردازد. وی در تحقیقات خود با مقایسه اصول اسلامی با اصول منتشرشده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به این نتیجه می‌رسد که از دیدگاه اسلامی، حاکمیت شرکتی دارای افق وسیع‌تری است و جداسازی نقش‌ها و مسئولیت‌ها در جایی که تعهدات تحت حاکمیت و قوانین اسلامی قرار می‌گیرد، به راحتی امکان‌پذیر نیست. [۳]

پنی و واهاما (۲۰۱۲) با استفاده از اطلاعات بانک‌های بزرگ پذیرفته شده در بورس آمریکا به بررسی این موضوع پرداختند که آیا بانک‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی در بحران مالی، سودآوری بیشتر و عملکرد بازار بهتری داشته‌اند یا خیر؟ نتایج آنها نشان داد که بانک‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی در بحران مالی سال ۲۰۰۸ سودآوری بیشتری داشته‌اند و حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند تاثیر مثبتی بر عملکرد بانک داشته باشد. در کل نتایج آنها نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی قوی تاثیر مثبتی بر بازده بانک‌ها پس از بحران مالی دارد. به این معنا که حاکمیت شرکتی قوی توانسته است اعتبار بانک‌ها را در دوره بحران مالی حفظ نماید. [۴]

گریس و پلگرین (۲۰۰۶) در مقاله خود به بررسی اهمیت و چالش‌های حاکمیت شرکتی در موسسات مالی اسلامی می‌پردازند. آنها بر این عقیده هستند که ترتیبات و مقررات حاکمیت شرکتی بایستی متناسب با نیازهای نهادهای مالی اسلامی انجام گیرد. علاوه بر این، اطمینان کافی از هماهنگی عملیات با اصول مالی اسلامی و حفاظت از منافع ذی‌نفعان از جمله سپرده‌گذاران حساب‌های سرمایه‌گذاری از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که وجود حاکمیت شرکتی ضعیف می‌تواند هزینه‌های مالی سنگینی برای سهامداران نهادهای مالی اسلامی به همراه داشته باشد. علاوه بر این، مدیریت نامناسب در این نهادهای مالی در کاهش اعتبار آنها به عنوان کسب‌وکارهای ارائه‌دهنده خدمات منطبق بر شریعت نقش بسزایی دارد. [۵]

۳- مفهوم حاکمیت شرکتی و ضرورت توجه به آن

بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد. در واقع، تعاریف متعددی از سوی سازمان‌ها، نهادهای بین‌المللی و اشخاص صاحب‌نظر در خصوص حاکمیت شرکتی ارائه شده است که دارای حدود و دامنه گسترده‌ای می‌باشند، از این رو در ادامه به تعدادی از این تعاریف ارائه شده می‌پردازیم.

واژه حاکمیت شرکتی، معنای لغوی ساختاردهی و کنترل شرکت‌ها را با خود به همراه دارد. [۶] در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این، الگویی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی بیان می‌شود. در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذی‌نفعان دیده می‌شود. [۷] واژه حاکمیت شرکتی، معنای لغوی ساختاردهی و کنترل شرکت‌ها را با خود به همراه دارد. [۸] لذا نظام حاکمیت شرکتی مجموعه دستورالعمل‌ها، ساختارها، فرآیندها و هنجارهای فرهنگی است که شرکت‌ها با رعایت آنها به اهداف شفافیت در فرآیندهای کاری، پاسخگویی در مقابل ذی‌نفعان و رعایت حقوق ایشان دست خواهند یافت. سازوکارهای حاکمیت شرکتی باعث کم شدن مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها شده و کیفیت این سازوکارها نسبی بوده و از شرکتی به شرکت دیگر متفاوت است. [۹]

کمیته بال به عنوان یک نهاد بین‌المللی معتبر در زمینه نظارت بانکی، حاکمیت شرکتی را اینگونه تعریف می‌نماید: حاکمیت شرکتی نتیجه رابطه قوی بین دو نهاد درونی بانک و نهاد مالی بین‌المللی به عنوان کل است که هدفگذاری شایسته‌ای را در قالب اسناد راهنما ارائه می‌نماید. [۱۰] پارکینسون حاکمیت شرکتی را فرایند نظارت و کنترل برای تضمین

عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران می‌داند. [۱۱] در تعریف مطرح شده توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF)^۲ و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD)^۳، حاکمیت شرکتی سیستمی است که شرکت‌های تجاری (در تعریف عام، اعم از مجموعه‌های اقتصادی نظیر بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های سهامی و غیره) توسط آن اداره و کنترل می‌شوند. ساختار حاکمیت شرکتی تعیین‌کننده نحوه توزیع حقوق، حدود مسئولیت‌ها، لزوم و حدود پاسخگویی میان ذینفعان مختلف یک مجموعه نظیر مدیر عامل، هیئت عامل، سهامداران و سایر ذینفعان می‌باشد. استقرار حاکمیت شرکتی زمینه فراهم‌آمدن ساختاری بهینه متناسب با اهداف از پیش‌تعیین شده، نقشه راه جهت حصول به آنها و زمینه نظارت بر عملکرد را ایجاد می‌کند. [۱۲]

ولفسون رییس پیشین بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ گفته است: "حاکمیت شرکتی در صدد ارتقای انصاف، شفافیت و پاسخگویی در شرکت است. [۱۳] فیانا و گرانت معتقدند حاکمیت شرکتی خوب به پیوند فاصله بین منافع موجود و همسویی آن در یک شرکت، از طریق افزایش اعتماد سرمایه‌گذار و کاهش هزینه سرمایه شرکت کمک می‌کند. در این راستا، این وضعیت در جهت اطمینان از ایفای تعهد شرکت، تعهدات قانونی‌اش و شکل‌های مختلف ایجاد ارزش مرتبط با ذی‌نفعان، نقش قابل توجهی را ایفا می‌کند. [۱۴]

فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC)^۴ در سال ۲۰۰۴ حاکمیت شرکتی را چنین تعریف کرده است: حاکمیت شرکتی (حاکمیت واحد تجاری) عبارت است از تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیأت مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر استراتژیک که تضمین‌کننده دستیابی به هدف‌ها، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع است. با این اوصاف بررسی تعاریف و مفاهیم حاکمیت شرکتی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی یک مفهوم بین رشته‌ای است و تعاریف به تدریج از سطوح محدود و متمرکز بر حقوق سهامداران به سطوح گسترده‌تر مبتنی بر مسئولیت و پاسخگویی به همه ذی‌نفعان و نسل‌های آتی تغییر یافته است.

در این میان با توجه به دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی منتشره از سوی نهادهای معتبر، می‌توان گفت هدف نهایی حاکمیت شرکتی دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذی‌نفعان (مسئولیت پذیری) است که بر اساس مبانی OECD به شرح زیر است:

انصاف^۵: برخورد یکسان و با عدالت با همه سهامداران (چه بزرگ و چه کوچک)

شفافیت^۶: شفافیت در ارائه اطلاعات و در دسترس بودن آن از لحاظ مالی، حقوق و مزایا، حدود وظایف و الزامات پاسخگویی هیئت مدیره و ساختار آن

مسئولیت^۷: روشن بودن کمیت و کیفیت مسئولیت‌ها و تفویض اختیارات

پاسخگویی^۸: هرگونه پذیرش و اختیار مسئولیت می‌بایست همراه با پاسخگویی باشد.

با مرور تعریف‌های یاد شده و تحلیل آنها می‌توان تعریف جامع و کامل زیر را ارائه کرد:

«حاکمیت شرکتی قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان می‌شود.»

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که حاکمیت شرکتی بانک به بررسی جنبه‌های مختلف عملکرد آن می‌پردازد و موضوع حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به ویژگی‌های مدیران، ترکیب اعضای هیات مدیره و انگیزه‌های مالی و سایر انگیزه‌ها برای همسو کردن فعالیت‌های افراد دارای نقش کلیدی با منافع سهامداران بستگی دارد. در این مسیر ممکن است مدیران

² The International Monetary Fund

³ Organization of Economic Co-operation and Development

⁴ International Federation of Accountants

⁵ Fairness

⁶ Transparency

⁷ Accountability

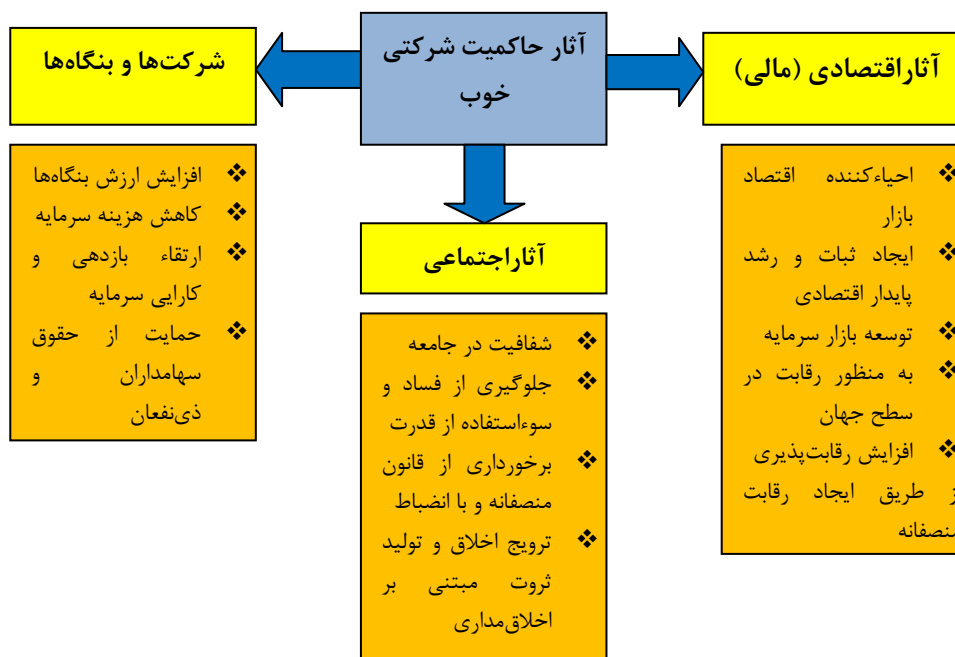
⁸ Responsibility

ارشد از میان سهامداران اصلی انتخاب شده و یا فردی استخدام شده به غیر از سهامداران باشند. لذا بیشتر مدیران بانکها در ابتدا از سهامداران اصلی انتخاب می‌شوند، در صورتیکه سهامداران تجربه کافی در مورد هدایت عملیات روزمره بانک نداشته باشند و یا وقت کافی برای این کار نداشته باشند، در نتیجه استخدام مدیران حرفه‌ای لازم خواهد بود. مدیران حرفه‌ای شخص متخصص مورد نیاز برای هدایت مناسب فعالیت‌های بانک هستند که ممکن است بنا به دلایل مختلف از جمله نحوه انتخاب و انتصاب آنان، لزوماً انگیزه‌های لازم برای حداکثرسازی ثروت سهامداران نداشته و رفتار مدیر استخدام شده الزاماً در جهت تحقق منافع سهامداران نباشد. [۱۵]

۴- آثار و منافع یک حاکمیت شرکتی خوب

امروزه حاکمیت شرکتی با هدف دستیابی به پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان به عنوان ابزاری قدرتمند در راستای جلب اعتماد و اطمینان مردم به سازمان‌ها تلقی می‌گردد. از این رو، حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصادی (مالی) و اجتماعی داشته باشد. نمودار ۴، منافع یک حاکمیت شرکتی خوب را از جنبه‌های مختلف نشان می‌دهد. [۱۶]

نمودار ۴. منافع یک حاکمیت شرکتی خوب



به طور کلی آثار حاکمیت شرکتی خوب در توسعه بخش مالی و بانکداری را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

- ۱- افزایش ارزش افزوده اقتصادی موسسات، دست‌یافتن به سودآوری بیشتر و احتمال پایین‌تر شکست‌های مالی نظام یافته.
- ۲- کاهش آسیب‌پذیری بازارهای نوظهور در برابر بحران‌های مالی، تقویت حقوق مالکیتی، کاهش هزینه مبادلات و هزینه سرمایه و سرانجام توسعه بازار سرمایه.
- ۳- ارتقای نظام نظارتی و مقرراتی برای ایجاد بازارهای مالی آرام و منظم.
- ۴- رسیدن به حداکثر سودآوری و کارایی و حداقل فساد و سوءاستفاده از قدرت و فراهم‌کردن نظام پاسخگویی مدیریتی.
- ۵- افزایش نظم بازار، نظارت و حاکمیت شرکتی مانند شفافیت و ارائه اطلاعات کافی به عموم مردم.

۶- بهبود زیرساخت‌های سازمانی که شامل قوانین، استانداردها، استانداردهای هماهنگ حسابداری و نظام موثر پرداخت است.

۷- مدیریت موثرتر ریسک‌های بانکی با توجه به ارتباط آن با ساختار حاکمیتی بانک‌ها.

۵- مدل‌های حاکمیت شرکتی در جهان

با توجه به اهمیت تأمین سلامت مالی فعالیت‌های ناشی از ریسک سرمایه‌گذاری برای سهامداران و ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد، می‌توان چهار نوع الگوی متنوع حاکمیت شرکتی را متناسب با ویژگی‌های مختلف این نظام معرفی کرد.

- الگوی مبتنی بر بازار (آنگلوساکسون): ویژگی این الگو بر تقسیم حقوق مالکیت بین سهامداران مقطعی استوار است. مزیت اصلی این الگو، سهولت جمع‌آوری سرمایه و توزیع ریسک سرمایه‌گذاران است.

- الگوی حاکمیت شرکتی مبتنی بر روابط: این الگو، مبتنی بر تمرکز مالکت و بازار سیال سرمایه می‌باشد. سهامداران شرکت‌ها به طور طولانی‌مدت دارای سهام بوده و در موقعیتی قرار می‌گیرند که می‌توانند رفتار مدیریت را نظارت نمایند، لذا هزینه‌های نمایندگی رخ نمی‌دهد. در این الگو، بانک‌ها با نگهداری بخش عمده‌ای از سهام شرکت‌ها بر مالکیت آنها مسلط می‌شوند و به طور مستقیم در عملیات شرکت شامل نظارت و تصمیم‌گیری، مشارکت می‌کنند. حاکمیت شرکتی در این الگو مبتنی بر روابط بوده و سرمایه‌گذاری‌های درون‌گروهی از ویژگی‌های الگوی مذکور به شمار می‌رود.

- الگوی حاکمیت شرکتی در حال گذار: کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و کشورهای استقلال‌یافته شوروی سابق، دارای اقتصادهایی مشتعل بر این نوع الگوی حاکمیت شرکتی می‌باشند. در این الگو، بازارهای سرمایه ضعیف و غیرفعال می‌باشند و شرکت‌ها از شکل دولتی به تدریج به شرکت‌های دارای سهامداران جزء تبدیل می‌شوند. نظام حقوقی این کشورها همواره به سوی نظام‌های رقابتی در حال حرکت است و سازوکار مقابله با مشکلات حاکمیت شرکتی ضعیف بوده و حمایت از سرمایه‌گذاری چندان قوی نیست. لذا عدم انضباط مالی باعث شده‌است تا دولت شرکت‌های زیان‌ده را پشتیبانی کند.

- الگوی نوظهور: در ادبیات حاکمیت شرکتی، تاکنون به این الگو کمتر پرداخته شده است. این الگو به پیروی از سازوکار حاکمیت شرکتی اقتصادهای موفق می‌پردازد. بازار سرمایه فعال، تبدیل موفق شرکت‌های دولتی به شرکت‌های خصوصی، وجود الگوهای مبتنی بر روابط و همچنین الگوهای مبتنی بر بازار، وجود بازارهای نوظهور مدیریت، نظام‌های حقوقی رسمی و کارکردی و وجود شرکت‌های خانوادگی و شرکت‌های عمومی از جمله ویژگی‌های این الگو می‌باشد. در این الگوی اقتصادی، حاکمیت گروه‌های تجاری و تقسیم سرمایه‌گذاری‌ها میان صنایع مختلف برقرار بوده و خانواده‌هایی وجود دارند که میزان زیادی از کنترل و مالکیت را در اختیار دارند.

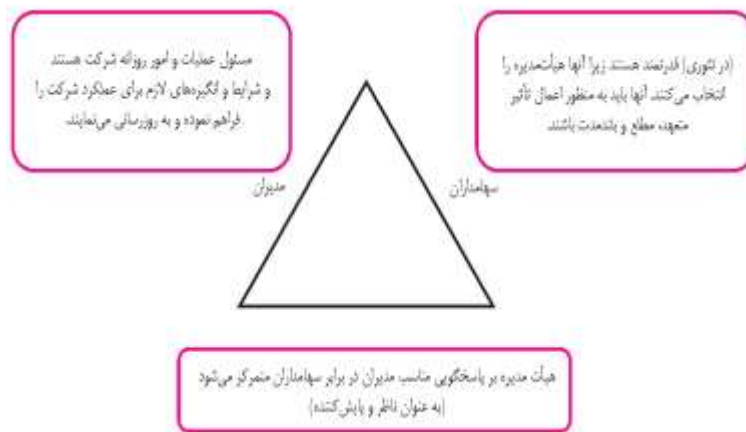
در مجموع با توجه به الگوهای یادشده می‌توان گفت که هر کشور، ساختار حاکمیت شرکتی منحصر به فرد و یا عناصر تشکیل‌دهنده معینی دارد که از ساختار حاکمیت در سایر کشورها متمایز است. به طور کلی سه مدل حاکمیت شرکتی در کشورهای توسعه یافته تحت عناوین مدل انگلیسی و آمریکایی، مدل آلمانی و مدل ژاپنی وجود دارد که در تمامی مدل‌های حاکمیتی یادشده عوامل زیر دخیل می‌باشند:

- ذی‌نفعان کلیدی شرکت‌ها
- محیط مالکیت
- الگوی مالکیت سهام در کشور مورد نظر
- ترکیب هیئت مدیره

- چارچوب‌های قانونی
- الزامات شفافیت برای شرکت‌های سهامی عام در بورس
- اقدامات شرکتی که نیاز به تایید سهامداران دارند
- نحوه تعامل بین ذی‌نفعان کلیدی

➤ مدل حاکمیت شرکتی انگلیسی و آمریکایی^۹: در مدل انگلیسی و آمریکایی مالکیت سهم متعلق به افراد (به ویژه افراد وابسته به سازمان) بوده و سرمایه‌گذاران وابسته به سازمان نیستند و به عنوان سهامدار بیرونی شناخته می‌شوند. چارچوب قانونی به خوبی توسعه یافته و حقوق و مسئولیت‌های سه بازیگر اصلی در آن یعنی مدیریت، هیأت مدیره و سهامداران، به خوبی تعریف شده است.

نمودار ۱. مدل انگلیسی و آمریکایی

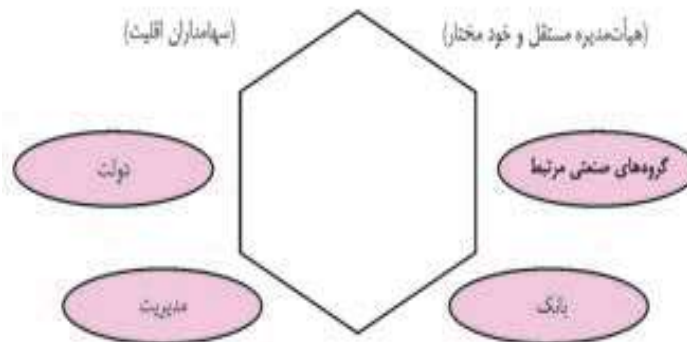


منبع: [۱۷]

➤ مدل حاکمیت شرکتی ژاپنی: ویژگی مدل ژاپنی این است که مالکیت سهام به میزان بالایی به بانک‌ها و شرکت‌های وابسته تعلق دارد. سیستم بانکداری، برای ایجاد یک ارتباط قوی و بلندمدت بین بانک و شرکت دارای چارچوب قانونی و سیاست عمومی و صنعتی به منظور پشتیبانی و ارتقای گروه ای صنعتی مرتبط شده با هم از طریق روابط تجاری است. هیأت مدیره اغلب از افراد داخل سازمان و تعداد نسبتاً کمی از سهامداران بیرونی تشکیل شده است و رویه‌های پیچیده برای اعمال رأی سهامداران وجود دارد. فروش سهام برای شرکت‌های ژاپنی دارای اهمیت است، لیکن، افراد داخل سازمان و افراد وابسته به آنها، عمده‌ترین سهامداران را در شرکت‌های ژاپنی تشکیل می‌دهند. در نتیجه، آنها نقش عمده‌ای در شرکت‌ها و سیستم حاکمیت شرکتی ژاپن دارند.[۱۸]

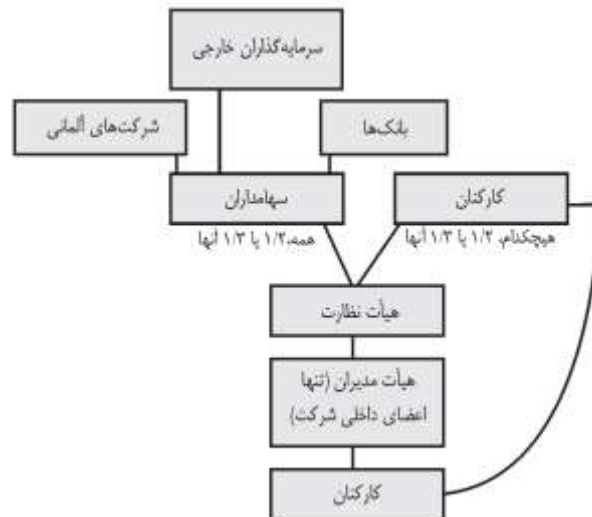
^۹ مدل Anglo-US در انگلستان، آمریکا، استرالیا، کانادا، نیوزلند و چندین کشور دیگر حاکم است.

نمودار ۲. مدل ژاپنی



➤ مدل حاکمیت شرکتی آلمانی: این مدل حاکمیت شرکتی تفاوت عمده‌ای با دو مدل قبلی دارد. با وجود این برخی از عناصر آن همانند مدل ژاپنی است. در آلمان شرکت‌ها ارتباط بلندمدت با بانک‌ها دارند و همانند ژاپن، نماینده‌های بانک برای حضور در هیأت‌مدیره شرکت‌های آلمانی برگزیده می‌شوند. با این وجود، برخلاف ژاپن که نمایندگان بانک تنها در زمان بروز توقیف مالی منصوب می‌شوند، حضور نمایندگان بانک در هیأت‌مدیره شرکت‌های آلمانی دائمی است. مدل آلمانی دارای دو هیأت‌مدیره با اعضای مجزا است و شرکت‌های آلمانی دارای دو ساختار هیأت‌مدیره شامل هیأت‌مدیران و هیأت‌نظارت می‌باشند. هیأت‌مدیران شامل مدیران اجرایی داخل سازمان است و هیأت‌نظارت متشکل از نمایندگان کارکنان و سهامداران می‌باشد. علاوه بر این، امکان حضور یک نفر به طور همزمان در دو هیأت‌مدیره فوق وجود ندارد و اندازه هیأت‌نظارت بر اساس قوانین تنظیم می‌شود و توسط سهامداران قابل تغییر نمی‌باشد. [۱۹]

نمودار ۳. مدل آلمانی



۶- حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی

حاکمیت شرکتی در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است و با وجود افزایش توجه به تحقیقات مربوط به حاکمیت شرکتی که توسط سازمان‌هایی همچون بانک توسعه اسلامی صورت گرفته است، اما در خصوص بنیادهای نظری حاکمیت شرکتی اسلامی ادبیات اندکی در دست است و حتی دیدگاه واحدی در کشورهای اسلامی وجود ندارد تا حاکمیت شرکتی اسلامی را تبیین کند. یکی از نظریات در مورد وظایف حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی رسیدن به مقاصد شریعت (طبق نظر غزالی) بوده که به این معنا است که بایستی بانک اسلامی بتواند در نظام بانکی وظایف شریعت را

همچون حفظ مال، دین، جامعه و نسل و ... به انجام رساند. لذا مهم‌ترین مسائل مربوط به حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی را می‌توان در موارد زیر برشمرد که در ادامه به تشریح آنها می‌پردازیم. [۲۰]

- الزام برای ایجاد بسترها و زیرساخت‌های لازم برای داشتن یک حاکمیت شرکتی خوب
- تعیین محدوده وظایف و مسئولیت‌های هیأت مدیره
- حسابرسی داخلی و ساماندهی عملیات کنترل
- برخورد یکسان و عادلانه با کلیه سهامداران و ذی‌نفعان
- افشاء و شفافیت
- تقویت سیستم نظارت شرعی (استانداردهای AAOIFI، IFSB، هیأت نظارت شرعی، واحد حسابرسی شرعی و غیره)

طبق مطالعات انجام شده می‌توان چارچوب حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی را بر اساس چهار اصل بنیادی عدالت، امانت، صداقت و شریعت که منبعث از ادبیات اسلامی هستند بنا نهاد. بر این اساس، بانک‌های اسلامی علاوه بر رعایت مفاد قراردادهای شرعی بانکی بایستی بر پایه انصاف و عدالت عمل نمایند و تأمین منافع تمامی ذی‌نفعان از جمله مسایلی است که لزوم توجه به حاکمیت شرکتی در موسسات مالی اسلامی را پررنگ می‌کند. در این میان تنها هدف، حمایت از حقوق سهامداران نبوده و بایستی منافع و حقوق سایر ذی‌نفعان حاکمیت شرکتی اعم از سپرده‌گذاران، تسهیلات‌گیرندگان، کارمندان، دولت و جامعه اسلامی رعایت و مورد توجه قرار گیرد. لذا رعایت تعادل و ایجاد عدالت بین ذی‌نفعان مختلف از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. با این اوصاف می‌توان گفت که حاکمیت شرکتی در حوزه مالی اسلامی بحث جدیدی نیست و اصول مالی اسلامی به نوعی دربرگیرنده مفاهیم پایه‌ای حاکمیت شرکتی خوب از جمله پاسخگویی، شفافیت و اعتماد است. [۲۱]

از سوی دیگر، بانکداری اسلامی با توجه به ماهیت آن الگوهای متفاوتی را نسبت به بانکداری معمولی ارائه می‌دهد ولیکن از نظر اصول حاکمیت شرکتی بخشی از ویژگی‌های مهم آن را از جمله مشارکت سهام، ریسک و مشارکت در سود و زیان را که مبنای تأمین مالی اسلامی است، در برمی‌گیرد. از این‌رو، مدل حاکمیت شرکتی اسلامی از تجمیع مباحث مرتبط با حاکمیت شرکتی (اصول متعارف)، انطباق با شریعت و مسئولیت‌های (ارزش‌های اخلاقی) اخلاقی و امانتداری حاصل می‌گردد. در این میان، ترتیبات مالی در بانکداری اسلامی با توجه به روابط مختلف میان ذی‌نفعان (سهامداران) و ساختار نظارتی آنها، نسبت به مدل‌های متعارف متفاوت بوده زیرا سپرده‌گذاران دارای سهم مستقیم در سرمایه‌گذاری بانک و مشارکت در سرمایه (حقوق صاحبان سهام) می‌باشند. لذا، تأمین منافع کلیه ذی‌نفعان به عنوان هدف اصلی این نظام مالی باعث می‌شود که نقش حاکمیت شرکتی در نهادهای مالی اسلامی از اهمیت قابل توجهی برخوردار گردد.

با این اوصاف، هر نظام حاکمیت شرکتی، کارکردهایی دارد که طی سازوکارهای مشخصی (مبتنی بر الگوهای مختلف) بین ارکان و بازیگران حاکمیت شرکتی تقسیم می‌شود. در این میان، مهم‌ترین کارکرد یک نظام حاکمیت شرکتی، نظارت است که شامل زیربحث‌هایی همچون مدیریت، نظارت، کنترل، حسابرسی مستقل، مشاوره مالی و حقوقی و حسابرسی داخلی است. لذا در بانکداری اسلامی با توجه به ماهیتی که وجود دارد بایستی انطباق و هماهنگی فعالیت‌های مالی با اصول و معیارهای اسلامی مورد توجه قرار گیرد. لذا علاوه بر کنترل‌های داخلی^{۱۰}، مبحث حاکمیت شرعی در بانکداری اسلامی تحت مسائل ریسک شریعت و نظارت شرعی از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد که میزان تطابق عملکرد بانک‌ها با اصول اسلامی توسط شورای نظارت شریعت^{۱۱} انجام می‌شود. [۲۲] و [۲۳]

با توجه به اهمیت نظام حاکمیت شرعی در نظام بانکداری اسلامی و نقش آن در بهبود عملیات تطابق، کنترل و نظارت در نهادهای مالی ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی به مقایسه حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی با نهادهای مالی متعارف پرداخته شده است. (جدول ۱)

^{۱۰} کنترل داخلی در بانک‌های اسلامی به نوعی در حمایت از هیأت نظارت شرعی فعالیت می‌کند.

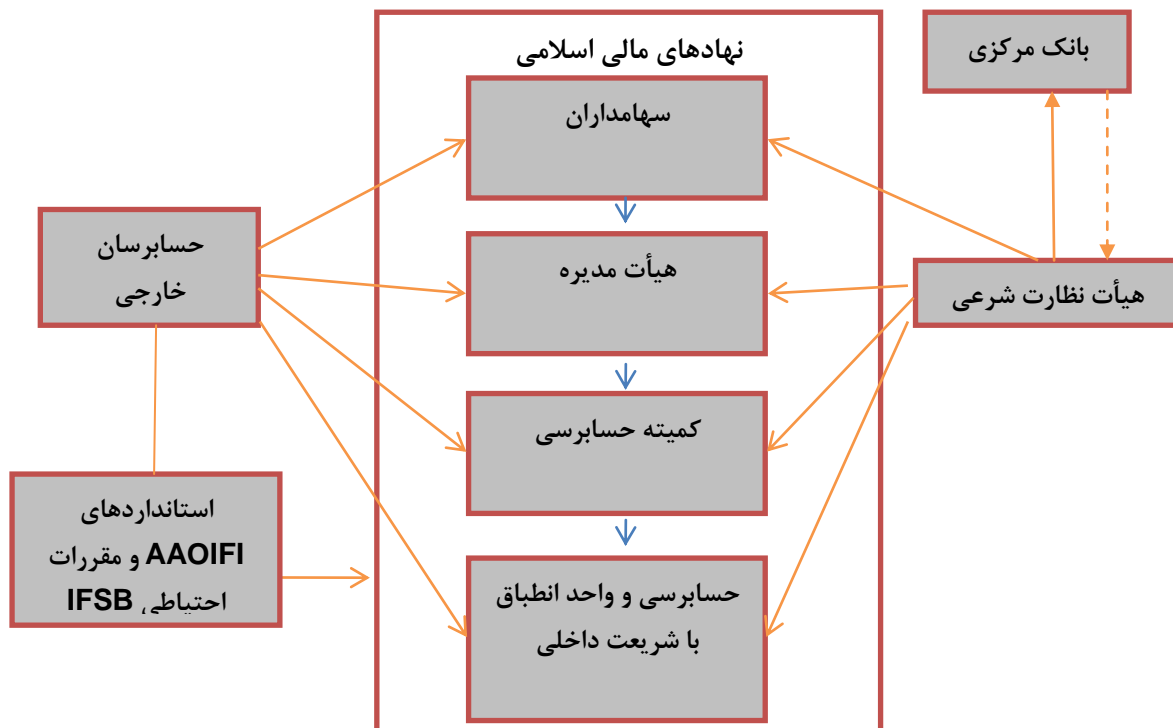
^{۱۱} Shari'a Supervisory Board

جدول ۱. مقایسه حاکمیت شرکتی در بانکداری متعارف و اسلامی

عملیات (کارکردها)	بانکداری متعارف	بانکداری اسلامی (موارد اضافه شده)
نظارت	✓ هیأت مدیره	✓ هیأت نظارت شرعی (شریعت)
کنترل	✓ حسابرسان خارجی ✓ حسابرسان داخلی	✓ ممیزی و حسابرسی شرعی خارجی ✓ واحد حسابرسی شرعی داخلی (ISRU) ^{۱۲}
انطباق	✓ مأمور انطباق قوانین و مقررات مالی	✓ واحد انطباق با شریعت داخلی (ISCU) ^{۱۳}

با توجه به اهمیت مبحث نظارت و کنترل در انطباق فعالیتها با اصول شریعت، چارچوب نظارتی برای نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی در نمودار ۳ نشان داده شده است.

نمودار ۳. چارچوب نظارتی انطباق با شریعت در نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی



منبع: [۲۴]

۵-۱- اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلامی
اصول اخلاقی تجارت (ارزش‌های اخلاقی)

¹² Internal Shariah Review/Audit Unit (ISRU)

¹³ Internal Shariah Compliance Unit (ISCU)

مالکیت مطلق و ابدی تمام هستی بر روی زمین و آسمان از دیدگاه اسلامی به خدای متعال تعلق دارد و ما انسان‌ها تنها جانشین او هستیم. لذا مسلمانان بایستی فعالیت‌های تجاری خود را بر پایه شریعت انجام دهند و نسبت به همه افرادی که با تجارت سروکار دارند، منصف و صادقانه برخورد نمایند. بنابراین اصول اخلاقی در تجارت و رعایت کردن آن نقش موثری در گسترش و موفقیت بنگاه‌ها دارد و برای جلوگیری از رخ دادن مشکلاتی که از سر رعایت نکردن اصول اخلاقی حاصل می‌شود، بایستی فعالان اقتصادی به آگاهی از این اصول بپردازند. علاوه بر این، هر انسانی (تاجران مسلمان) در هر کسب و کار باید قواعد اخلاقی را به عنوان یک مسئولیت، پذیرا باشد.

در این راستا، اخلاق کاری اسلامی به عنوان وظیفه و چراغ راهنمای نیازهای اشخاص است و برای برقراری تعادل در زندگی اجتماعی و شخصی یک فرد، ضروری است. [۲۵] علاوه بر این، قرآن کریم چنین می‌فرماید: «همه انسان‌ها بر اساس رفتار و اعمالشان رتبه‌بندی می‌شوند» [۲۶] این جمله بر این مسأله دلالت دارد که هر سیستمی که فاقد جو اخلاقی و معنوی مناسب باشد، بر سیستم حاکمیتی (نظارت) به طور مناسب اثر نخواهد گذاشت. لذا می‌توان به این نتیجه رسید که اخلاقیات تجارت اسلامی زمینه ایجاد و افزایش شفافیت، عدم تناقض و تساوی در برابر قانون را فراهم می‌آورد.

اصول تجارت اسلامی

تجارت در فارسی به معنای بازرگانی و در لغت به معنای خرید و فروش، دادوستد و معامله کردن است. تجارت یکی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی است که اسلام آن را به عنوان یکی از منابع درآمدی مشروع و مباح قرار داده است. در واقع، مجموعه قوانین مبتنی بر قرآن یا همان شریعت، نه تنها آیین مذهبی را دربرمی‌گیرد، بلکه بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره، سیاست، اقتصاد، بانکداری، قانون تجارت و قراردادهای موضوعی اجتماعی را تحت پوشش قرار می‌دهد. تجارت در دین اسلام بر پایه معنویت و فضیلت و در کتب فقهی مکرراً به تاجر تأکید شده است که از روی عدل و انصاف، صداقت و بی‌طرفی نسبت به دیگران رفتار نماید. زیرا هدف از تجارت فراهم ساختن وسایل رفاه عمومی در جامعه بشری است و برای رسیدن به این منظور آشنایی به دانش فقهی ضروری خواهد بود. [۲۷] یکی از اصول مهم حقوق تجارت در عصر حاضر، گردش ثروت و توزیع عادلانه آن می‌باشد و در کتاب آسمانی آمده است: «ای اهل ایمان بسیاری از علما و راهبان اموال مردم را به باطل طعمه خود کرده‌اند و از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و انباشته می‌کنند و آن‌ها را در راه خدا انفاق نمی‌کنند آنان را به عذاب دردناک بشارت بده». [۲۸] لذا، یکی از ممنوعیت‌های موجود در برابر سوءاستفاده از ثروت، ممنوعیت ربا است که به طور کلی به معنای رباخواری و یا بهره است. [۲۹] این عبارت نشان می‌دهد که مزیت تجارت اسلامی، معامله صادقانه و منصفانه است که در آن انواع استثمار از بین می‌رود. در واقع، حاکمیت شرکتی در قوانین اسلامی رهنمودهای وسیع‌تری را ارائه می‌دهد و وظایف و شیوه‌های انجام معاملات اقتصادی را برای هدایت اخلاقی مسلمانان در راستای اصول حاکمیت شرکتی متعارف، در بر می‌گیرد.

تصمیم‌گیری

قرآن مجید دربرگیرنده اصولی است که بر زندگی مسلمانان حاکم است و از روزهای اول شکل‌گیری دولت اسلامی جمع‌آوری شده است. از دیدگاه اسلام، مفهوم اخلاقی حاکمیت شرکتی ابعاد کلی و وسیع‌تری را در نظر می‌گیرد که بحث حاکمیت (نظارت) در همه نمودهایش دلالت بر تصمیم‌گیری دارد. اخلاق اسلامی در تصمیم‌گیری نه تنها با نظارت مقامات مافوق موافق است بلکه نقش مسئولیت‌پذیری را برای انجام تعهداتی نسبت به اشخاص و گروه‌هایی فراتر از سهامداران، سرمایه‌گذاران، فروشندگان، مشتریان و کارکنان تحت تأثیر بخشش معنوی و مذهبی می‌گستراند. [۳۰]

در اسلام، انسان‌ها به عنوان امانتداران خدا یاد می‌گیرند تا رابطه خوبی با افراد مافوق، ارباب رجوع و مدیریت برقرار و آن را تقویت کنند که با رفتارهای الهی و قوانین خدایی منطبق باشند. این مسأله حاکی از آن است که نهادهای مالی اسلامی، تصمیم‌گیری را به روش‌های وسیع‌تر و متفاوت‌تری نسبت به نهادهای متعارف انجام می‌دهند. اهمیت این مسأله تا جایی است که در آیات زیادی از قرآن حکیم و احادیث می‌توان این نکات را مشاهده کرد. قرآن کریم چنین می‌فرماید: «و در کارها با آنها

مشورت کن، سپس وقتی تصمیم می‌گیری به خدا توکل کن» [۳۱]، «و کسانی که پروردگارش را راجابت کرده‌اند و نماز برپا می‌دارند و کارهایشان را با مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه به آنها روزی کرده‌ایم انفاق می‌کنند» [۳۲]

این آیات دلالت و تأکید ویژه بر مشورت و اشخاصی که با آنها مشورت می‌کنیم، دارد. بهترین طرف‌های مورد مشورت نیز افرادی هستند که خدا را جابت می‌کنند و با داشتن ترس از او می‌توانند با عدالت منصفانه و اهمیت برابر با همه رفتار نمایند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که زندگی حقیقی در مشورت متقابل، صبر و شکیبایی و توکل بر خداوند است. لذا اسلام، مسلمانان را به کار جمعی آزادانه و جوانمردانه برای رسیدن به تصمیم‌های درست، تشویق می‌کند و شرکت‌دادن همه گروه‌ها در تصمیم‌گیری را سرلوحه خود قرار می‌دهد.

افشاء و شفافیت

در اقتصاد اسلامی، پاسخگویی بایستی منجر به افشاء و شفافیتی منصفانه و صحیح شود و قبل از هر چیز، پاسخگویی نسبت به خدا وجود دارد. مفهوم بنیادین پاسخگویی اسلامی بر این نکته دلالت دارد که منابع مورد استفاده افراد، امانتی است در دست آنها. لذا افشای صحیح حقایق مالی و اطلاعات صحیح بایستی آزادانه در دسترس استفاده‌کنندگان قرار گیرد. مسأله دیگر، تهیه اطلاعات کافی مورد نیاز برای تصمیم‌های صحیح مالی استفاده‌کنندگان است که منجر به پرداخت زکات می‌شود که رکن سوم اسلام است. دقت در عمل، جنبه‌ای از انصاف است و این می‌تواند کمک قابل توجهی در تصمیم‌گیری‌های تجاری و اقتصادی ایفا نماید. این اصل، یکی از اصول اخلاقی نیرومند در نظام حسابداری اسلامی است و به ارتقای افشای مناسب و شفافیت در معاملات تجاری کمک می‌نماید. [۳۳]

دفترداری و حساب‌نهایی

دین اسلام همواره معامله‌های تجاری را که در آن اطمینان از منصفانه و پاسخگویی نهایی به خداوند باشد را تشویق می‌کند. در قرآن کریم نیز آیات متعددی برای نشان دادن رفتار اخلاقی به هنگام مواجهه با این اصل وجود دارد. به عنوان مثال در آیات ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامیکه تعهدی را تا مدت معینی به یکدیگر برعهده گرفتید، آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای در میان خودتان به عدالت بنگارید» و «و اگر در حال سفر هستید و نمی‌توانید نویسنده‌ای را بیابید، وثیقه‌ای بگیرید و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین شمرد، آن کس که امینش شمرده‌اند باید امانت خود را ادا نماید و هر که آن را کتمان کند، قلب او گناهکار است و خدا بر هر چه می‌کنید آگاه است».

آیات مذکور و دیگر آیات قرآنی نشان می‌دهد که مبادلات در هر معامله تجاری باید به وسیله فرد عادلانه که دارای رفتار اخلاقی متعالی است و نسبت به همه گروه‌ها می‌تواند انصاف را رعایت کند، نوشته شود. علاوه بر این، می‌توان گفت که تجارت باید با روش منصفانه و صادقانه صورت گیرد و دارایی‌ها نباید غصبی باشند و به روش قانونی کسب شوند. لذا هر معامله مالی باید در ترازنامه‌ها ذکر شود و به طور کلی هر دارایی غیر قانونی، ممنوع است. [۳۴]

۵-۲- چارچوب مقرراتی و حاکمیت شرکتی در بانک‌های اسلامی

ایجاد قوانین، استانداردها و محدودیت‌های هدفمند جهت کنترل و هدایت بانک‌های اسلامی به شیوه‌ای که بتواند به تأمین منافع تمامی ذی‌نفعان منجر شود، باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود و مبحث هزینه‌ها خود یکی از مسائل کلیدی در حاکمیت شرکتی به شمار می‌رود. از این رو، در این بخش به معرفی و تشریح استانداردهایی که توسط سازمان‌های مختلف ارائه شده است، می‌پردازیم. درک صحیح این اصول می‌تواند زمینه اجرایی‌سازی الگوی حاکمیت شرکتی مناسب در بانک‌های اسلامی را فراهم نماید.

۱- چارچوب ملی حاکمیت شرکتی

- قوانین، کدها و دستورالعمل‌های ویژه بخش بانکداری
- قوانین و مقررات شرکت‌های بورسی
- قوانین و مقررات اختیارات قانونی شرکت‌های بورسی

۲- کدها و استانداردهای بین‌المللی

- اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD)
- دستورالعمل کمیته بال در حوزه نظارت بر حاکمیت شرکتی بانکها
- ۳- استانداردها و کدهای ویژه مالی اسلامی و شریعت
- اصول راهنمای حاکمیت شرکتی برای موسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی توسط IFSB (به غیر از بیمه اسلامی (تکافل) و صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری)
- اصول راهنمای نظارت شرعی برای موسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی توسط IFSB
- اصول راهنمای هدایت کسب‌وکار برای موسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی توسط IFSB
- استانداردهای نظارتی و حسابرسی برای موسسات ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی توسط AAOIFI

برای داشتن بهترین چارچوب در نهادهای مالی اسلامی علاوه بر اهمیت به استانداردهای ویژه مالی اسلامی، بایستی هماهنگی و انطباق با دستورالعمل‌ها و اصول بین‌المللی از جمله OECD و کمیته بال وجود داشته باشد. از این‌رو، در ادامه ابتدا به معرفی این دستورالعمل‌ها پرداخته و سپس استانداردهای اسلامی را بیان می‌کنیم.

✓ سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۴ دستورالعملی برای حاکمیت شرکتی را تدوین و آن را در سال ۲۰۰۶ مورد بازنگری قرار داده است. اصول حاکمیت شرکتی از دید سازمان توسعه و همکاری اقتصادی عبارت است از:

- ۱- اطمینان از مبنایی برای چارچوب حاکمیت شرکتی موثر (کارآمد)
چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی شفافیت و کارایی بازارها را ارتقا دهد و حاوی قوانین و قواعدی باشد که به طور آشکار به تقسیم و تفکیک مسئولیت‌ها بین امور نظارتی، قانونگذاری و اجرایی بپردازد.
- ۲- حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیت
چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی اجرای حقوق سهامداران را تسهیل و محافظت نماید.
- ۳- رفتار یکسان با سهامداران
چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی اطمینان لازم در ارتباط با رفتار مساوی با کلیه سهامداران را فراهم نماید. به طوریکه همه سهامداران فرصت‌هایی در اختیار داشته باشند تا برای نقض حقوقشان، راه جبران موثری وجود داشته باشد.
- ۴- نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی
چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی حقوق ذی‌نفعان را از طریق قوانین و یا توافق‌های دو جانبه شناسایی کند و همکاری فعال بین شرکت‌ها و ذی‌نفعان را به منظور ایجاد ثروت و توسعه پایدار برای موسسات از لحاظ مالی فراهم آورد.
- ۵- افشا و شفافیت
چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی در مورد افشای دقیق و به موقع همه موارد بااهمیت شرکت‌ها (وضعیت مالی، عملکرد، مالکیت و اداره شرکت) اطمینان ایجاد کند.
- ۶- مسئولیت‌پذیری هیأت مدیر
چارچوب حاکمیت شرکتی بایستی به راهنمایی راهبردی شرکت، نظارت موثر مدیریت توسط هیأت مدیره و پاسخگویی وی به شرکت و سهامداران بپردازد.

اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به نوعی دربرگیرنده چهار اصل اساسی سازوکار اصول اخلاقی تجارت، سازوکار تصمیم‌گیری، افشاء و شفافیت و در نهایت دفترداری و حسابداری قطعی است. لذا همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، با مقایسه اصول حاکمیت شرکتی اسلامی و اصول OECD، می‌توان گفت که این اصول قابلیت استفاده در فعالیتهای تجاری اسلامی را داشته و توانایی کنترل بر انجام تجارت را دارد. [۳۵]

جدول ۲. مقایسه اصول حاکمیت شرکتی OECD و اصول اسلامی

اصول اسلامی	اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	اصول حاکمیت شرکتی
<ul style="list-style-type: none"> گسترش تجارت با چارچوب اخلاقی شریعت اعتقاد در سود و زیان تقدم عدالت و رفاه اجتماعی با تعهدات اجتماعی و معنوی 	<ul style="list-style-type: none"> گسترش شفافیت و کارایی بازار با تساوی قانون و تقسیم مسئولیت‌ها 	اطمینان از مبنایی برای چارچوب حاکمیت شرکتی موثر
<ul style="list-style-type: none"> اموال، امانتی است از جانب خدا و او قدرت مطلق است جامعه به عنوان مجموعه ذی‌نفعان پاسخگویی نه تنها در برابر ذی‌نفعان است بلکه در برابر خداوند به عنوان مالک مطلق وجود دارد 	<ul style="list-style-type: none"> حقوق سهامداران اصلی مشارکت در تصمیم‌گیری مجامع عمومی ساختارها و تنظیم بازارها برای کنترل شرکت حقوق مالکیت به وسیله همه سهامداران فرایند مشورتی بین سهامداران نهادی و سایر سهامداران 	حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیت
<ul style="list-style-type: none"> عدل و انصاف به عنوان ارزش توزیع یکسان ثروت به همه ذی‌نفعان و اعضای زیان دیده در قالب زکات و صدقه رفاه جامعه و افراد همراه با تعهدات معنوی و اخلاقی ایجاد احساس مساوات 	حمایت از سهامداران اقلیت و سهامداران خارجی	رفتار یکسان با سهامداران
<ul style="list-style-type: none"> پاسخگویی اسلامی برای رستگاری و رفاه اجتماعی رعایت تقسیم‌بندی حلال و حرام در معاملات رفاه اجتماعی و فردی از جنبه مادی و معنوی رسیدگی به کل جامعه 	ایجاد ثروت، مشاغل و توسعه پایدار	نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی
<ul style="list-style-type: none"> پاسخگویی با رعایت شریعت عدالت، تساوی، صداقت و شفافیت پاسخگویی گسترده به طور همانند افشای شفاهی 	<ul style="list-style-type: none"> مسائل مربوط به شرکت وضعیت مالی عملکرد، مالکیت و حاکمیت 	افشاء و شفافیت
<ul style="list-style-type: none"> پاسخگویی به خداوند متعال برای ایجاد موفقیت علاوه بر شرکت، هیأت مدیره و یا ذی‌نفعان راهنمایی کامل و انجام مذاکره در جستجوی مشورت برای تصمیم‌گیری در مورد ذی‌نفعان 	<ul style="list-style-type: none"> هدایت استراتژیک نظارت بر مدیریت پاسخگویی به شرکت و ذی‌نفعان 	مسئولیت‌پذیری هیأت مدیره

✓ در راستای اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، کمیته بازل دستورالعمل خود را برای ترویج اصول نظام راهبری شرکتی سالم برای سازمان‌های بانکی مورد بازنگری قرار داده است و در سال ۲۰۱۰ اصول چهارده‌گانه خود را به منظور بهبود حاکمیت شرکتی، با تأکید بر حوزه‌های کلیدی از جمله کارهای هیأت مدیره، مدیریت ارشد، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، حقوق و دستمزد، ساختارهای شرکتی غیرشفاف یا پیچیده و در نهایت افشاء و شفافیت منتشر کرده است. برخی از این اصول عبارتند از: [۳۶]

- تعیین مسئولیت‌های هیأت مدیره بانک‌ها در جهت اجرای حاکمیت شرکتی صحیح در بانک‌ها
- تدوین فرآیندهای حاکمیتی شرکتی و تعریف ابزارهایی برای حصول اطمینان از اجرای صحیح فرآیندها
- ایجاد یک نظام موثر برای پایش داخلی و واحد مدیریت ریسک در بانک‌ها با تفویض اختیارات کافی و استقلال لازم برای شناسایی و ارزیابی مستمر انواع ریسک‌ها

- برقراری نظام مناسب جبران خدمات کارکنان در راستای کاهش انواع ریسک‌ها
 - ارایه اطلاعات شفاف به ذی نفعان از جمله سهامداران
 - ✓ با توجه به ماهیت فعالیت بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های متعارف، هیأت خدمات مالی اسلامی (IFSB) نیز اصولی را که عمدتاً برگرفته از اصول بالا بوده، در سال ۲۰۰۶ منتشر کرده است. این مجموعه شامل ۷ اصل الزامات احتیاطی در حوزه حاکمیت شرکتی برای نهادهایی است که به ارائه خدمات مالی اسلامی می‌پردازند. این دست‌رعمل حاکمیت شرکتی به ۴ بخش زیر تقسیم می‌شود: [۳۷]
 - (۱) رویکرد کلی حاکمیت در نهادهای مالی ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی
 - (۲) حقوق و منافع صاحبان حساب سپرده سرمایه‌گذاری
 - (۳) انطباق با قوانین و اصول اسلامی شریعت
 - (۴) شفافیت گزارش‌های مالی در ارتباط با حساب‌های سرمایه‌گذاری
- در ادامه به تشریح برخی از اصول حاکمیت شرکتی که توسط این هیأت تهیه و به موسسات علاقه‌مند به اجرای آن ارائه شده است می‌پردازیم: [۳۸]
- اصل اول: موسسات خدمات مالی اسلامی می‌بایست چارچوب حاکمیتی جامعی برای خود تعریف نمایند که در آن نقش و وظایف راهبردی هر یک از عناصر حاکمیتی مشخص گشته و فرآیندهایی نیز برای ایجاد پاسخگویی عادلانه موسسات در قبال تمامی ذینفعان در نظر گرفته شود.
- اصل دوم: موسسات مالی اسلامی باید اطمینان حاصل کنند که گزارشگری اطلاعات مالی و غیرمالی آنها مطابق با استانداردهای شناخته شده بین‌المللی حسابداری موسسات مالی اسلامی می‌باشد.
- اصل سوم: لازم است موسسات مالی اسلامی، حقوق صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری در زمینه پایش دائمی عملکرد موسسه مالی را به رسمیت شناخته و ابزار کافی برای تضمین اعمال این حقوق در نظر بگیرند.
- اصل چهارم: مناسب است موسسات مالی اسلامی، راهبرد سرمایه‌گذاری صحیحی را متناسب با انتظارات ریسک و بازده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری اتخاذ نموده و در خصوص تعدیل هر نوع بازده نیز با شفافیت عمل نمایند.
- اصل پنجم: لازم است موسسات مالی اسلامی مکانیزم مناسبی جهت دستیابی به دیدگاه متخصصین شریعت در رابطه با تمامی محصولات، عملیات و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد، در اختیار داشته باشد.
- اصل ششم: لازم است موسسه مالی اسلامی خود را ملزم به اجرای دقیق تمامی اصول و احکام شریعت که توسط متخصصین مرتبط ارائه می‌شود نماید. همچنین لازم است موسسه این مقررات را در اختیار عموم قرار دهد.
- اصل هفتم: لازم است موسسات مالی اسلامی اطلاعات مرتبط و اساسی در خصوص حساب‌های سرمایه‌گذاری که مدیریت می‌نمایند را به صورت کافی و به موقع جهت استفاده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و عموم مردم افشا کنند.
- ✓ یکی از موضوعات مهم دیگری که مورد توجه هیأت خدمات مالی اسلامی قرار گرفته است، مسئله حاکمیت و یا نظارت شرعی می‌باشد که در این زمینه نیز استاندارد جامعی ارائه و تلاش شده است اصول احتیاطی مرتبط با آن ارائه گردد. از حمله اصول مطرح شده در این استانداردها به شرح زیر می‌باشد: [۳۹]
- بخش اول: رویکرد عمومی نسبت به نظارت شرعی
- اصل ۱-۱- ساختار نظارت شرعی که توسط نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی اتخاذ می‌گردد، بایستی متناسب با اندازه، پیچیدگی و طبیعت فعالیت‌های آنها باشد. (یک الگوی خاص قابل تعمیم به تمامی کشورها نیست)
- اصل ۱-۲- نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی در ارتباط با اعضای هیئت مدیره شریعت بایستی اطمینان حاصل نمایند که شرایط لازم برای انجام وظایف و مسئولیت‌های خود را داشته باشند؛ فرآیند عملیاتی و روش‌های گزارش‌دهی به خوبی تعریف شده است و درک خوب و آشنایی کامل با اخلاق و رفتار حرفه‌ای داشته باشند. (برای انجام وظیفه و داشتن حسن نیت، مراقبت، مهارت و سرسختی نسبت به سهامداران).

بخش دوم: ارزیابی صلاحیت و شایستگی

اصل ۱-۲- نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی باید اطمینان حاصل کند که هر فردی که مسئولیت انجام نظارت شرعی را برعهده دارد از ویژگی‌های مورد قبول و شایستگی لازم برخوردار می‌باشد.

اصل ۲-۲- نهادهای مال اسلامی بایستی به طور مستمر اقدام به آموزش حرفه‌ای و افزایش کارایی افرادی نمایند که به عنوان اعضای هیأت شریعت به خدمت‌رسانی می‌پردازند و یا در بخش‌های مربوط به واحد حسابرسی شرعی داخلی و یا انطباق با شریعت به فعالیت می‌پردازند.

اصل ۳-۲- لازم است یک ارزیابی رسمی از اثربخشی فعالیت‌های هیأت شریعت به عنوان یک کل و میزان سهم هر یک از اعضا در میزان کارایی هیأت شریعت صورت گیرد.

بخش سوم: استقلال

اصل ۱-۳- هیأت شریعت بایستی نقش نظارتی مستقل و قوی همراه با توانایی کافی برای اتخاذ تصمیمات لازم در ارتباط با موضوعات شرعی داشته باشند. هیچ فرد و یا گروهی مجاز به داشتن تسلط و ایجاد تحمیل بر تصمیم‌گیری‌های هیأت شریعت نخواهد بود.

اصل ۲-۳- در ارتباط با انجام مسئولیت‌ها بایستی اطلاعات کامل، کافی و به موقع از عملکرد نهادهای مالی اسلامی قبل از جلسات و به طور مداوم برای اعضای هیأت شریعت فراهم گردد.

بخش چهارم: محرمانه بودن اطلاعات

اصل ۱-۴- اعضای هیأت شریعت بایستی اطمینان حاصل نمایند که اطلاعات داخلی کسب‌شده برای انجام وظیفه آنها، محرمانه و دور از دسترس عموم نگه‌داشته می‌شود.

بخش پنجم: ثبات و پایداری

اصل ۱-۵- نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی بایستی درک کاملی از چارچوب قانونی و مقرراتی خود برای انتشار راهکارهای شرعی در ارتباط با حوزه‌های مختلف عملکردی را داشته باشند. علاوه بر این، لازم است هیأت شریعت به شدت از چارچوب‌های مذکور پیروی و به ترویج و ارتقای استانداردهای نظارت شرعی بپردازند.

✓ سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسه‌های مالی اسلامی (AAOIFI)^{۱۴} نیز به انتشار استانداردهای مختلف در حوزه شریعت و اسلامی برای نهادهای مالی اسلامی در قالب دو مجموعه که به ترتیب عبارتند از «استانداردهای شرعی برای موسسات مالی اسلامی»^{۱۵} و «استانداردهای حسابداری، حسابرسی و حاکمیتی برای موسسات مالی اسلامی» پرداخته است. لازم به ذکر است که برخلاف استانداردهای هیأت خدمات مالی اسلامی که بیشتر کلی بوده و اصول احتیاطی مرتبط با انجام نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی را مطرح می‌نماید، استانداردهای AAOIFI جزئی بوده و تلاش می‌کند که به صورت موردی برای نظارت بر اکثر فعالیت‌هایی که یک مؤسسه مالی انجام می‌دهد، استاندارد ارائه دهد. مجموعه دوم این مؤسسه مشتمل بر ۲۶ استاندارد حسابداری، ۵ استاندارد حسابرسی، ۷ استاندارد نظارتی و ۲ کد اخلاقی است که عمده اصول و استانداردهای مطرح‌شده در حوزه حاکمیتی (نظارت شرعی) به شرح زیر می‌باشد. [۴۰]

(۱) فرایند اجرایی هیئت نظارت شریعت: انتصاب، ترکیب و گزارش‌دهی

(۲) بررسی شریعت

۳: بررسی داخلی شریعت

۴: کمیته حسابرسی و نظارت برای نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی

۵: استقلال شورای نظارتی شریعت

۶: الزامات و توضیحات لازم در ارتباط با اصول حاکمیت و نظارت برای نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی

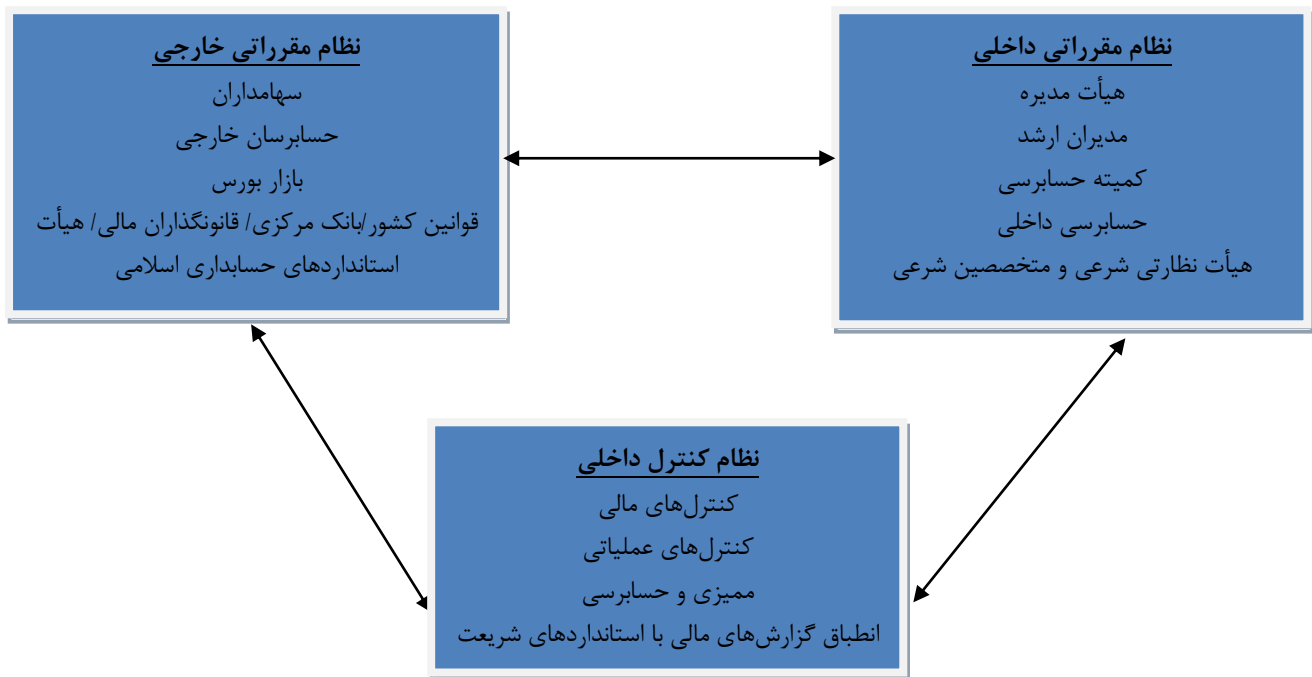
¹⁴ The Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

¹⁵ Shari'a Standards for Islamic Financial Institutions

۷: مسئولیت اجتماعی و شفافیت در نهادهای موسسات مالی اسلامی

با توجه به استانداردها و مقررات موجود در حوزه حاکمیت شرکتی بانکهای اسلامی می توان گفت که بحث نظارت (حکمرانی) شرعی از اهمیت بالایی در این حوزه برخوردار می باشد. لذا، ساختار مفهومی حاکمیت شرکتی در بانکهای اسلامی را می توان در شکل ۴ ترسیم نمود.

نمودار ۴. ساختار حاکمیت شرکتی در بانکهای اسلامی



در این میان با وجود استانداردها و دستورالعمل های موجود در حوزه حاکمیت شرکتی اسلامی می توان چالش های پیش روی نهادهای مالی اسلامی در این حوزه را به شرح زیر بیان نمود:

- سطح پایین نقدینگی
- عدم شفافیت و اطمینان از اطلاعات و داده های آماری
- عدم همگرایی در حوزه قوانین و مقررات و چالش های مربوط به انطباق استانداردهای بین المللی با اصول شریعت
- مشکلات مربوط به ورشکستگی نهادهای مالی اسلامی و ابهامات موجود در زمینه حقوق بدهکاران و روابط میان ذی نفعان
- محدودیت در منابع و سرمایه انسانی از جمله متخصصین شرعی
- پایین بودن میزان نوآوری

۶- جمع بندی و پیشنهادات

حاکمیت شرکتی مجموعه ای از نظام ها، فرآیندها و ساختارهایی است که با استفاده از سازوکارهای درون سازمانی نظیر هیأت مدیره، کنترل های داخلی اداری و حسابداری، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک و نیز سازوکارهای برون سازمانی مانند نظارت قانونی، نظام های حقوقی، بازار سرمایه، نظارت سهام داران عمده، حسابرسی مستقل و مؤسسات رتبه بندی، در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذی نفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری و مالی است. در این راستا، حاکمیت شرکتی اسلامی با توجه به رعایت معیارهایی چون ارزش های اخلاقی و حفظ منافع و حقوق تمامی ذی نفعان (نه فقط سهامداران) در

چارچوب قوانین شریعت (امانت و عدالت) نسبت به نظام بانکداری متعارف متمایز بوده، لذا اجرا و پیاده‌سازی و رعایت صحیح و واقعی حاکمیت شرکتی نیازمند به مدیریت و نظارت اسلامی در بانک‌ها می‌باشد. از این‌رو، نظارت شرعی و لزوم هیأت نظارتی شریعت برای اطمینان از انطباق فعالیت‌ها با اصول شریعت در نظام بانکداری اسلامی یکی از مسایلی است که در حاکمیت شرکتی بانک‌های مذکور از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که به دلیل ماهیت بانکداری اسلامی، الگوهای رایج حاکمیت شرکتی در بانکداری مرسوم جهانی که بر اساس نظام دریافت و پرداخت بهره استوار است، مورد قبول جوامع اسلامی از جمله ایران نمی‌باشد. لذا الگوبرداری از نظام حاکمیت شرکتی نظیر آنچه که در کشورهای غربی مورد استفاده قرار می‌گیرد، کارایی چندانی نخواهد داشت. از سوی دیگر، استانداردها و اصول حاکمیت شرکتی ارائه‌شده توسط نهادهای بین‌المللی از جمله OECD، کمیته بال و IFSB قابلیت انطباق با قوانین نظام بانکداری اسلامی کشورهای مختلف از جمله ایران را دارد. بنابراین، اجرای این اصول در صورت رعایت دقیق قوانین یادشده با الزام بانک مرکزی و قانونگذاران می‌تواند منجر به افزایش کارایی و ایجاد یک حاکمیت شرکتی اسلامی و موثر گردد.

با این اوصاف می‌توان گفت، حاکمیت شرکتی موثر و مناسب، ضامن رعایت اصول شرعی و اعتقادی در بانکداری اسلامی، کاهنده ریسک‌های مالی ذی‌نفعان و کلان اقتصاد اسلامی و افزایش کارایی و اثر بخشی نظام بانکداری اسلامی است و بایستی به موضوع حاکمیت شرکتی نگاهی نظام‌مند داشت. از این رو تدوین و طراحی چارچوب جامع حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی که بایستی دربرگیرنده حقوق اقلیت سهامداران از جمله دارندگان حساب سرمایه‌گذاری باشد، الزامی است. در این راستا به منظور پیاده‌سازی یک الگوی حاکمیت شرکتی موثر به منظور کاهش ریسک‌های مالی و افزایش ثبات سیستماتیک در بانک‌های اسلامی از جمله ایران، پیشنهادات زیر مطرح می‌گردد:

- اطمینان در ایجاد بستر و زیرساخت‌های لازم برای داشتن یک چارچوب نظام‌مند (اثربخش) حاکمیت شرکتی.
- برطرف‌نمودن چالش‌های نظارتی و کنترلی در استقرار حاکمیت شرکتی بانک‌ها. در این راستا، بایستی ساختار نظارت شرعی که توسط نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی اتخاذ می‌گردد، متناسب با اندازه، پیچیدگی و طبیعت فعالیت‌های آنها باشد.
- بازبینی قوانین و رفع چالش‌ها و نواقص قانونی موجود در نظام حاکمیت شرکتی بانک‌ها. لذا پیشنهاد می‌شود که اجرای کدها و قوانین حاکمیت شرکتی برای نهادهای مالی اسلامی طبق قانون ایجادشده اجباری گردد. در این زمینه، مقامات نظارتی نیز بایستی استانداردهای لازم برای انطباق با کلیه قوانین و مقررات و همچنین مسئولیت‌های مربوط به حاکمیت شرکتی را منتشر نمایند.
- ایجاد نهاد و سازمان‌هایی به منظور تقویت حاکمیت شرکتی در بازارهای مالی اسلامی از طریق ارزیابی مستمر حاکمیت شرکتی و ایجاد یک سیستم رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها و نهادهای مالی منطبق با شریعت
- ارتقای آموزش و سطح دانش مدیریتی در نظام بانکی به منظور حفظ منافع بانک و همچنین تحقق منافع کلیه ذی‌نفعان
- افزایش سطح شفافیت و افشای اطلاعات (مسئولیت‌های هیأت مدیره) از طریق انتشار گزارش‌های حاکمیت شرکتی به عنوان بخشی از گزارش‌های سالیانه بانک‌ها.

مراجع

[1] Ciancanelli, Penny & others. (2000), Corporate Governance in Banking: A Conceptual Framework, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=253714> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.253714>

- [2] Spong, Kenneth and Sullivan, Richard, (2007). Corporate Governance and Bank Performance, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1011068> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1011068>
- [3] Mahmoud Abu-Tapanjeh, Abdussalam (2009), Corporate governance from the Islamic perspective: A comparative analysis with OECD principles, journal of Critical Perspectives on Accounting , No. 20, 556–567.
- [4] Peni, Emilia and Vähämaa Sami (2012), Did Good Corporate Governance Improve Bank Performance during the Financial Crisis? Journal of Financial Services Research, vol. 41, issue 1, 19-35.
- [5] Grais, Wafik, and Matteo Pellegrini (2006), Corporate Governance and Stakeholders' Financial Interests in Institutions Offering Islamic Financial Services, World Bank Policy Research Working Paper 4053.
- [6] SiladiBiserka (2006) The role of nonexecutive directors in corporate governance: an evaluation. Swinburne University of Technology, Australia
- [7] حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۵). حاکمیت شرکتی در ایران، فصلنامه حسابرس، شماره ۳۲.
- [8] SiladiBiserka (2006) The role of nonexecutive directors in corporate governance: an evaluation. Swinburne University of Technology, Australia
- [۹] مشایخ، شهناز، اسماعیلی، مریم. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵، ۴۴-۲۵.
- [10] Basel Committee on Banking Supervision, (2010) "Principles for Enhancing Corporate Governance". <http://www.bis.org/publ/bcbs294.htm>, October.
- [11] Parkinson J.E., (1995), "Corporate Power and Responsibility: Issues in the theory of company law", Oxford University Press, Usa, Paperback , ISBN 0198259891
- [12] OECD (2009) Corporate Governance and the Financial Crisis: Key findings and main messages. Office for Economic Co-operation and Development
- [۱۳] راهنمای رودپشتی، فریدون و صالحی، الله کرم (۱۳۸۹)، مکاتب و تئوریهای مالی و حسابداری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- [۱۴] تقی پوریان، یوسف و خلیل پور، مهدی (۱۳۸۸). حاکمیت شرکتی با رویکرد اسلامی، ماهنامه .حسابدار، شماره پیاپی ۲۰۸ و ۲۰۹.
- [15] Spong, Kenneth and Sullivan, Richard, (2007). Corporate Governance and Bank Performance, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1011068> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1011068>
- [16] Abdul Munid, Shahrn Laili Haji. (2009), CORPORATE GOVERNANCE IN ISLAMIC PERSPECTIVES, presented at the 5th INTERNATIONAL ISLAMIC FINANCE CONFERENCE: THIRTY FIVE YEARS ON – THE FUTURE OF ISLAMIC FINANCE.
- [17] Lectures on Corporate Governance. (2005). Three Models of Corporate Governance. EWMI/PFS Program. [۱۸] همان، ص ۶.
- [۱۹] همان، ص ۱۰.
- [20] Hawkamah, The Institute for Corporate Governance. (2011). Policy Brief on Corporate Governance for Islamic Banks and Financial Institutions in the Middle East and North Africa Region. Pp 40-44.
- [21] Sajjad Ahmad, Jahanara (2010), Corporate Governance in Islamic Banks, Working paper, The institute for corporate governance- HAWKAMAH
- [۲۲] همان
- [23] Samra, Emily (2016). Corporate Governance in Islamic Financial Institutions. Student Paper. University of Chicago Law School Chicago Unbound. PP 7-10.
- [24] Mustafa Ansari, Omar. (2012), Governance for Islamic mutual fund industry, presented in conference on islamic Funds & Investment, Alhuda CIBE.
- [25] Ali AJ (2005), Islamic perspectives on management and organization. Cheltenham: Edwar Elgar; p. 52.
- [۲۶] سوره انعام، آیه ۱۳۲.
- [۲۷] اهمیت و جایگاه تجارت در اسلام، سایت اینترنتی <http://www.iqna.ir>
- [۲۸] سوره توبه آیه ۳۴
- [29] Haqqi ARA.(1999). The philosophy of Islamic law of transactions. Kuala Lumpur: Univision Press.
- [30] Mahmoud Abu-Tapanjeh, Abdussalam (2009), Corporate governance from the Islamic perspective: A comparative analysis with OECD principles, journal of Critical Perspectives on Accounting , No. 20, p 562.

[۳۱] سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

[۳۲] سوره شوری، آیه ۳۸.

[33] Mahmoud Abu-Tapanjeh, Abdussalam (2009), p 563.

[۳۴] تقی پوریان، یوسف، خلیل پور، مهدی (۱۳۸۸). حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلامی، مجله حسابداری، شماره ۲۰۸ و ۲۰۹، صفحه ۷۱.

[35] Mahmoud Abu-Tapanjeh, Abdussalam (2009), Corporate governance from the Islamic perspective: A comparative analysis with OECD principles, journal of Critical Perspectives on Accounting , No. 20, 564–565.

[۳۶] کردلوئی و دیگران. (۱۳۹۱). استقرار حاکمیت شرکتی در موسسات مالی ایران، فصلنامه دانش حسابداری و مدیریت، شماره دوم، ص ۹۳ و ۹۴.

[37] Sajjad Ahmad, Jahanara (2007), Corporate Governance For Shariah Compliant Banks and Financial Institutions in Islamic Banks, Working paper, The institute for corporate governance- p.17.

[۳۸] میثمی، حسین (۱۳۹۲). حاکمیت شرکتی، نظارت و مقررات احتیاطی در موسسات مالی اسلامی: گزارش پنجمین روز مدرسه زمستانه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا.

[39] IFSB (2009). GUIDING PRINCIPLES ON SHARĪ AH GOVERNANCE SYSTEMS FOR INSTITUTIONS OFFERING ISLAMIC FINANCIAL SERVICES.

[40] The Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI), Accounting, Auditing and Governance Standards Governance Standards issued by AAOIFI. <https://aaofi.om>